Journal of Urban law Open Access

Summer (2026) 2(2): 27-36

ORIGINAL ARTICLE

Urban Management Liability for Damages Arising from War

Meysam Aghrabaifam[1], Seyyed Mehran Mohammadi[2], Milad Salimi Benamaran[3*]

1. Ph.D student in Public Law, Faculty of Law, University of Beheshti,Tehran, Iran.
2. Assistant Prof., Department of International law, Faculty of Law, islamic Azad University,tehran south branch,Tehran , Iran.
3. Ph.D student in Public Law, Faculty of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran.

Correspondence:
Milad Salimi Benamaran
Email: milad.salimi.ben@ut.ac.ir

Received: 19 Jul 2026
Accepted: 14 Aug 2026

How to cite
Aghrabaifam, M., Mohammadi, S.M & Salimi Benamaran, M. (2026). Urban Management Liability for Damages Arising from War. *Journal of Urban law*, 2(2), 27-36.

ABSTRACT

Compensation for large-scale losses suffered by citizens during armed conflicts represents one of the most challenging issues in urban law and public liability. This study examines the legal foundations of urban management liability for war-related damages through a descriptive-analytical methodology based on library research and doctrinal legal analysis. The research seeks to clarify the scope of municipal responsibility by distinguishing between damages directly caused by armed conflict and those aggravated by failures in urban governance, emergency preparedness, or passive defense measures. The findings indicate that war is generally recognized as a paradigmatic case of force majeure, which ordinarily interrupts the causal relationship between an initial wrongful act and the resulting damage, thereby excluding ordinary civil liability. Nevertheless, the existence of force majeure does not relieve municipalities and other urban management institutions of their statutory obligations to ensure public safety, implement passive defense regulations, maintain essential urban infrastructure, and adopt reasonable preventive and protective measures before and during crises. Drawing upon the doctrine of concurrent causes, the study argues that where municipal authorities fail to fulfill these legal obligations through omission, negligence, or inadequate crisis management, a secondary causal link may be established between managerial fault and the aggravation or expansion of citizens' losses. In such circumstances, municipalities may incur civil liability in proportion to the extent of their fault and its causal contribution to the damages sustained. Conversely, where no fault or breach of legal duty can be established, the role of urban management should not be regarded as compensatory but rather as executive, supportive, and facilitative, focusing on emergency response, public service continuity, reconstruction, and coordination with governmental institutions. The study further demonstrates that existing legal obstacles preventing municipalities from recovering expenditures incurred in responding to war-related damages from the central government undermine the financial sustainability and resilience of urban management. Accordingly, it recommends the enactment of a comprehensive legal framework defining municipal rights and obligations during armed conflicts, the expansion of specialized urban insurance and compensation funds, the strengthening of passive defense regulations, and the establishment of specialized judicial chambers to adjudicate disputes concerning liability and compensation for war-related damages.

KEYWORDS

Armed Conflict; Civil Liability; Concurrent Causes; Force Majeure; Passive Defense; Urban Management; War Damages.

Copyright © 2026 The Authors. Published by Payame Noor University.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.

مجله حقوق شهری

سال دوم، شماره دوم، پیاپی دوم، تابستان ۱۴۰۵ (۲۷-۳۶)

«مقاله پژوهشی»

مسئولیت مدیریت شهری در قبال خسارات ناشی از جنگ

میثم اقربایی فام[۱]، سید مهران محمدی[۲]، میلاد سلیمی بنماران[۳*]

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

نویسنده مسئول:
میلاد سلیمی بنماران
رایانامه: milad.salimi.ben@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۱

چکیده

جبران خسارات کلانِ وارده بر شهروندان در جریان مخاصمات مسلحانه، از پیچیده‌ترین چالش‌های حقوق شهری است و پژوهش حاضر با هدف واکاوی مبانی حقوقی مسئولیت مدیریت شهری در قبال این دسته از خسارات، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای سامان یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه جنگ به عنوان مصداق بارز قوه قاهره ارزیابی شده و اصولاً رابطه سببیت میان تقصیر اولیه و ورود ضرر را قطع می‌کند، اما این امر رافع تکالیف ایمنی و حمایتی مدیریت شهری نیست. این پژوهش با بازخوانی قاعده تقارن اسباب، بیان می‌کند که در صورت احراز ترک فعل، قصور یا عدم رعایت الزامات پدافند غیرعامل از سوی شهرداری‌ها، رابطه سببیت فرعی میان خطای مدیریتی و تشدید خسارات برقرار گردیده و این نهادها به میزان سهم و تأثیر تقصیر خود در روند بحران ضامن خواهند بود. در فرض فقدان تقصیر نیز نقش این نهادها نقشی تسهیل‌گرانه، حمایتی و اجرایی است. با این حال، انسداد مسیرهای حقوقی در وصول مطالبات شهرداری از دولت، تاب‌آوری اقتصادی مدیریت شهری را تهدید می‌کند که جهت برون‌رفت از این وضعیت، تصویب قانون جامعِ تضمین‌کننده حقوق مدیریت شهری، توسعه صندوق‌های بیمه شهری و تأسیس شعب تخصصی قضایی برای رسیدگی به این دعاوی پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

تقارن اسباب، خسارات جنگ، قوه قاهره، مسئولیت مدنی، پدافند غیرعامل.

استناد به این مقاله:

اقربایی فام، میثم؛ محمدی، سید مهران و سلیمی بنماران، میلاد. (۱۴۰۵). مسئولیت مدیریت شهری در قبال خسارات ناشی از جنگ. *مجله حقوق شهری*، ۳(۲)، ۲۷-۳۶.

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۵ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشرشده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.
Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

مقدمه

حفاظت از جان، مال و امنیت شهروندان در برابر مخاطرات محیطی و انسانی، از اصلی‌ترین تکالیف نهادهای حاکمیتی و مدیریت شهری در حقوق عمومی است، اما وقوع مخاصمات مسلحانه همواره تضمین این حقوق اولیه را با چالش‌های ساختاری و بن‌بست در نظام‌های سنتی مسئولیت مدنی روبرو می‌سازد. در دکترین سنتی حقوق خصوصی، جنگ همواره به عنوان مصداق بارز قوه قاهره ارزیابی می‌شود؛ پدیده‌ای خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل دفع (آل‌محمد، ۱۳۹۹، صص. ۱۶-۱۳) که با قطع رابطه سببیت میان فعلِ نهادهای داخلی و ضرر وارده، به طور اصولی رافع مسئولیت مدنی قلمداد می‌گردد.

با این‌حال، در نظام‌های مدیریت شهری نوین، نقش نهادهای محلی به‌ویژه شهرداری‌ها در کاهش ابعاد خسارات ناشی از جنگ از طریق رعایت اصول شهرسازی و اجرای الزامات پدافند غیرعامل، به یک متغیر کلیدی تبدیل شده است. در فرضی که محرز گردد قصور، ترک فعل یا عدم رعایت استانداردهای پدافند غیرعامل از سوی مدیریت شهری سبب تشدید خسارات شده است، پای تحلیل‌های پیچیده‌تری به میان می‌آید. ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که نظام حقوق شهری ایران در مواجهه با خسارات ناشی از جنگ، فاقد یک دکترین منسجم و رویه واحد است و نقش شهرداری‌ها در این میان مبهم باقی مانده است. اگرچه پژوهش‌های ارزشمندی در خصوص مبانی کلی مسئولیت بین‌المللی انجام شده (به‌عنوان نمونه: حدادی، ۱۳۹۷؛ همو، ۱۴۰۰) و مقالاتی در حوزه جبران خسارت ارائه گردیده است (مانند: تاراسی و رحمتی‌فر، ۱۴۰۴)، و پژوهش‌هایی در جهت مسئولیت مدنی شهرداری در قبال نقص در زیرساخت‌های شهری به رشته تقریر در آمده است (براتی، ۱۴۰۴) اما تحلیل نظام‌مند مسئولیت نهادهای محلی در جبران خسارات وارده با خلأ جدی روبه‌روست. بیشتر نشست‌های علمی نیز قلمرو موضوعی مضیقی داشته‌اند (باقری، ۱۴۰۵؛ ارسطا، محمدی و سلیمی، ۱۴۰۴) و از این‌رو، جای خالی یک الگوی منسجم که بتواند مسئولیت مدیریت شهری را در برابر خسارات جنگ تحلیل کند، مشهود است.

بر همین اساس، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال کلیدی است که مدیریت شهری بر اساس قواعد مسئولیت مدنی، به‌ویژه با تکیه بر قاعده تقارن اسباب، تکالیف قانونی مرتبط با پدافند غیرعامل و مصوبات شورای شهر، چه نقشی در تسهیم مسئولیت و فرآیند جبران خسارات دارند؟ در تبیین این سؤال، فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار است که هرچند جنگ اصولاً مصداق قوه قاهره است، اما در صورت احراز ترک فعل یا عدم رعایت الزامات قانونی پدافند غیرعامل از سوی شهرداری‌ها، رابطه سببیت فرعی میان خطای مدیریتی و تشدید ضرر برقرار شده و این نهادها بر اساس قاعده تقارن اسباب ضامن خواهند بود. همچنین در فروض فقدان تقصیر، نقش این نهادها با تکیه بر مصوبات شوراهای شهر، نقشی حمایتی و تسهیل‌گرانه است.

۱. مروری کوتاه بر مسئولیت بین‌المللی و ضرورت مداخله نهادهای مدیریت شهری

در چارچوب موازین حقوق بین‌الملل، مسئولیت اولیه جبران خسارات ناشی از تجاوز نظامی، متوجه دولتی است که به‌طور مستقیم مسبب این آسیب‌ها بوده (دولت مباشر) و دولت‌های یاری‌رسان (دولت معاون) نیز ملزم به پاسخگویی هستند (حدادی، ۱۳۹۷، ص ۱؛ ۱۴۰۰، ص ۲۱). با این وجود، استیفای حقوق از این مجاری در صحنه عمل با موانع جدی روبه‌روست. اشخاص حقیقی فاقد صلاحیت لازم برای اقامه دعوای مستقیم علیه یک دولت خارجی در محاکم بین‌المللی هستند (نیاورانی و ذبیحی، ۱۳۹۴، ص ۲۹). احقاق حق در این بستر منوط به مداخله دولت متبوع از طریق نهاد «حمایت دیپلماتیک» (ابراهیمی، شریفیان و زندی، ۱۳۹۹، ص۱۰۸) و استمرار و غلبه تابعیت است (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۲، ص ۴۷۴؛ امینی و عابدی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۳۰). حتی در فرض محکومیت متجاوز در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، اجرای رأی در صورت امتناع محکوم‌علیه، مستلزم ارجاع موضوع به شورای امنیت است که عملاً با حق وتو مسدود می‌شود (نجفی و هادی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). از سوی دیگر، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) نیز به جرائم کیفریِ اشخاص حقیقی محدود می‌گردد و به پرداخت غرامت فوری منتهی نمی‌شود (سلیمی، ۱۴۰۰، ص ۶۷؛ یاوری و فیاضی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱). انسداد این مسیرها به این معناست که نمی‌توان شهروندانِ متضرر را در انتظار غرامت‌های بین‌المللی رها کرد. در این نقطه است که حقوق بین‌الملل جای خود را به حقوق داخلی و مشخصاً حقوق شهری می‌دهد. نهادهای محلی و شهرداری‌ها که در خط مقدمِ ارائه خدمات به شهروندان قرار دارند، ناگزیرند برای مدیریت پس از بحران و جبران خسارات، مداخله‌ای تسهیل‌گرانه یا حتی جبرانی (در موارد تقصیر) داشته باشند تا خلأ ناشی از بن‌بست‌های

بین‌المللی در سطح محلی به‌عنوان مکمل دولت (متولی اصلی) پوشش داده شود.

۲. قالب‌های فقهی و حقوقی حاکم بر مسئولیت مدیریت شهری در جبران خسارات

برای تبیین مسئولیت یا عدم مسئولیت شهرداری‌ها در برابر خسارات ناشی از جنگ، باید ظرفیت قواعد فقهی و حقوقی ناظر بر مسئولیت مدنی را که پیشتر در سطح کلان دولت مطرح می‌شد، در بستر حقوق شهری و عملکرد نهادهای محلی بازخوانی کرد.

۲-۱. اتلاف و تسبیب در محیط شهری

قاعده «من أتلف مال الغیر فهو له ضامن» یکی از مبانی مهم ضمان در فقه است که بر اساس آن هر کس مال دیگری را از بین ببرد، ضامن جبران آن خواهد بود (عبداللهی، ۱۳۸۸، ص ۲۴). اتلاف به دو صورت مستقیم (بالمباشره) و غیرمستقیم (بالتسبیب) قابل تصور است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص ۱۳). در اتلاف مستقیم، صرف تحقق اتلاف برای ثبوت ضمان کافی است و اثبات تقصیر شرط آن نیست (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱). انتساب اتلاف مستقیم به شهرداری‌ها در حوادث جنگی عملاً بلاموضوع است، زیرا منشأ اصلی خسارات، تجاوز دشمن خارجی است. اما در اتلاف غیرمستقیم یا تسبیب، شخص مستقیماً مال را تلف نمی‌کند بلکه زمینه یا سبب تحقق تلف را فراهم می‌آورد. در حقوق شهری، چنانچه شهرداری در اجرای تکالیف قانونی خود ایمن‌سازی لازم را انجام ندهد، بررسی مسئولیت آن از باب فراهم کردن «سببِ» تشدید خسارت، کاملاً قابل طرح و استناد است.

۲-۲. قاعده تقارن اسباب (تعارض قوه قاهره و تقصیر شهرداری)

کلیدی‌ترین مبنای حقوقی برای تحلیل مسئولیت مدیریت شهری، بررسی تقارن قوه قاهره (جنگ) با تقصیر احتمالی مدیریت شهری است. مطابق مواد ۲۲۷[1] و ۲۲۹[2] قانون مدنی، حوادث غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل دفع (فورس‌ماژور) رافع مسئولیت هستند. از آنجا که جنگ، مصداق بارز قوه قاهره است، اصولاً رابطه سببیت میان فعل نهاد عمومی و خسارت وارده را قطع می‌کند. با این وجود، چالش حقوقی زمانی رخ می‌دهد که خسارت وارده، منحصراً ناشی از قوه قاهره نباشد. چنانچه محرز گردد که عواملی نظیر صدور پایان‌کار غیرقانونی برای ساختمان‌های فاقد استانداردهای ایمنی، ضعف در تاب‌آوری سازه‌ها، یا فقدان نظارت شهرداری بر ساخت‌وسازها در کنار برخورد موشکِ دشمن در فروریختن بنا مؤثر بوده است، با پدیده «تقارن اسباب» مواجهیم. در این حالت، «سبب خارجی» (جنگ) با «سبب داخلی» (قصور شهرداری) همراه شده است. بر این اساس، شهرداری نمی‌تواند با استناد مطلق به وقوع جنگ، مصونیت کامل پیدا کند، بلکه به استناد قواعد مسئولیت مدنی، به میزان سهم و تأثیر تقصیر مدیریتی خود در تشدید خسارات وارده بر شهروندان، دارای مسئولیت جبرانی خواهد بود.

۳. نقش و مسئولیت نهادهای مدیریت شهری در قبال خسارات جنگ

در جریان مخاصمات مسلحانه، بخش قابل‌توجهی از خسارات در محیط‌های شهری و نسبت به جان، مال، مسکن و دسترسی شهروندان به خدمات عمومی تحقق می‌یابد. از این‌رو، نهادهای مدیریت شهری، به سبب حضور میدانی، برخورداری از امکانات اجرایی و مسئولیت قانونی در حفظ ایمنی، بهداشت، معابر، تأسیسات و استمرار خدمات عمومی، در مراحل پیشگیری، مقابله با آثار حملات و بازسازی پس از بحران، نقشی انکارناپذیر ایفا می‌کنند. با این‌حال، حضور فعال شهرداری در صحنه بحران، به خودی خود به معنای مسئولیت آن در جبران تمامی خسارات ناشی از جنگ نیست؛ بلکه حدود مسئولیت این نهاد باید با توجه به منشأ خسارت، قلمرو وظایف قانونی، وجود یا فقدان تقصیر و نحوه ارتباط آن با حاکمیت مرکزی تعیین شود.

شهرداری در نظام حقوقی ایران دارای شخصیت حقوقی مستقل است و مطابق قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، در شمار مؤسسات عمومی غیردولتی قرار می‌گیرد. از این‌رو، شهرداری نه بخشی از سلسله‌مراتب اداری دولت به معنای خاص است و نه نهادی خصوصی؛ بلکه مؤسسه‌ای عمومی و محلی است که در چارچوب قوانین و مقررات، عهده‌دار اداره بخشی از امور عمومی شهر و ارائه خدمات مورد نیاز شهروندان است. با این‌حال، علی‌رغم ماهیت عمومی و غیردولتی شهرداری‌ها، قانون‌گذار نوعی نظارت اداری و قیمومیتی دولت بر این نهادها پیش‌بینی کرده است. این نظارت از طریق هدایت، هماهنگی، تصویب، بازرسی و نظارت

---

۱. متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود.

۲. اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطهٔ اقتدار اوست، نتواند از عهدهٔ تعهد خود بر آید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.

بر عملکرد شهرداری‌ها، عمدتاً توسط وزارت کشور، اعمال می‌شود؛ چنان‌که مطابق ماده ۶۲[1] قانون شهرداری، تشکیل واحدی در وزارت کشور برای راهنمایی، ایجاد هماهنگی، بازرسی شهرداری‌ها و تهیه برنامه‌های مربوط به اصلاحات شهری پیش‌بینی شده است.

اهمیت نظارت قیمومیتی دولت در وضعیت جنگ و بحران‌های گسترده شهری آشکارتر می‌شود. در چنین شرایطی، شهرداری به دلیل استقرار مستقیم در محیط شهری، دسترسی به اطلاعات محلی و برخورداری از نیروی انسانی، ماشین‌آلات، سازمان آتش‌نشانی، سامانه حمل‌ونقل، خدمات پسماند و ظرفیت‌های عمرانی، یکی از نخستین نهادهای حاضر در صحنه بحران است. در همین راستا، ماده ۶۸ قانون شهرداری، در کنار هزینه‌های سازمانی و اداری، امکان پیش‌بینی اعتبار برای «امور دفاع غیرنظامی» را در بودجه شهرداری به رسمیت شناخته است. این حکم را می‌توان مؤید آن دانست که انجام برخی اقدامات پیشگیرانه، حفاظتی و خدماتی مرتبط با دفاع غیرنظامی، کاهش آسیب‌پذیری شهر و استمرار خدمات عمومی، در حدود وظایف قانونی و اعتبارات مصوب، در قلمرو فعالیت‌های مدیریت شهری قرار می‌گیرد.

۳-۱ مبانی قانونی تحقق تقصیر در مدیریت شهری

مبنای اصلی مسئولیت شهرداری در حقوق ایران «نظریه تقصیر اداری» است که بر اساس آن مسئولیت زمانی محقق می‌شود که قصور یا غفلت در اداره امور عمومی اثبات گردد. (براتی، ۱۴۰۴) با ایندر مواردی که ورود خسارت با تقصیر یا قصور شهرداری در انجام وظایف قانونی آن ارتباط داشته باشد، مسئولیت جبران خسارت به‌طور مستقیم متوجه این نهاد خواهد بود و در این راستا قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اعمال خسارت زا شهرداری‌ها را که به مناسبت انجام وظیفه به‌طور عمدی یا بی‌احتیاطی مرتکب می‌شوند شخصاً مسئول قرار داده است(عزیززاده و گرگین، ۱۴۰۴). مسئولیت شهرداری در زمینه تقصیر در مدیریت شهری صرفاً به یک حوزه محدود نمی‌شود و می‌توان آن را در سه محور اصلی تفکیک و تحلیل نمود:

نخست؛ بند «۱۴»[2] ماده ۵۵ قانون شهرداری: بر اساس این بند، اتخاذ تدابیر مؤثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل، حریق و همچنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک از تکالیف ذاتی شهرداری است. هرچند منشأ بروز حریق یا ریزش آوار در زمان مخاصمات، حملات نظامی است، اما چنانچه فقدان تجهیزات کافی آتش‌نشانی، عدم ایمن‌سازی پیشینی بناهای پرخطر یا تأخیر در امدادرسانیِ شهری منجر به گسترش دامنه آتش‌سوزی یا افزایش تلفات ناشی از ریزش آوار گردد، قصور شهرداری عاملی در تشدید خسارات جنگی محسوب شده و موجد مسئولیت مدنی خواهد بود.

دوم؛ حفظ، پاک‌سازی و بازگشایی معابر و زیرساخت‌های عمومی شهری: بند ۱ ماده ۵۵، ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها، مجاری آب و توسعه معابر را در شمار وظایف شهرداری قرار داده است. بند ۲ همین ماده، تنظیف، نگهداری و تسطیح معابر، انهار عمومی، مجاری آب و فاضلاب را برعهده شهرداری گذاشته و شهرداری را مکلف کرده است نسبت به رفع موانع و آزادسازی معابر عمومی اقدام کند. همچنین بند ۲۵، ساخت و آسفالت سواره‌روهای معابر و کوچه‌های عمومی را از وظایف شهرداری می‌داند.

این تکالیف در وضعیت جنگ می‌تواند شامل پاکسازی معابر از آوار، رفع موانعی که حرکت خودروهای امدادی را مختل می‌کند، تأمین دسترسی به مراکز درمانی و بازگشایی مسیرهای اصلی شهری باشد. البته تخریب اولیه معبر بر اثر اصابت پرتابه، به تنهایی موجب مسئولیت شهرداری نیست؛ اما اگر با وجود امکان متعارف اقدام، تأخیر ناموجه در آواربرداری یا بازگشایی مسیر، موجب توقف امدادرسانی، گسترش حریق یا افزایش خسارت جانی شود، می‌توان در حدود سهم تأثیر این ترک فعل، رابطه سببیت ثانوی میان قصور مدیریت شهری و خسارت افزوده را مورد بررسی قرار داد. در این ارزیابی باید شدت حمله، استمرار خطر، دسترسی شهرداری به تجهیزات، امکان حضور ایمن نیروها و اولویت‌بندی عملیات در نظر گرفته شود.

---

۱. (اصلاحی ۲۷/۱۱/۱۳۴۵) – به منظور راهنمائی و ایجاد هماهنگی در امور شهرداری‌ها و آموزش کارکنان شهرداری‌ها و همچنین نظارت در حسن اجرای وظایفی که طبق این قانون به عهده وزارت کشور گذاشته شده است سازمان متناسبی در وزارت کشور پیش‌بینی و تاسیس می‌شود.

۲. بند ۱۴ (اصلاحی ۱۳۴۵،۱۱،۲۷) –اتخاذ تدابیر مؤثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و همچنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و کوچه‌ها و اماکن عمومی و دالان‌های عمومی و خصوصی و پر کردن و پوشاندن چاه‌ها و چاله‌های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیاء در بالکن‌ها و ایوان‌های مشرف و مجاور به معابر عمومی که افتادن آنها موجب خطر برای عابرین است و جلوگیری از ناودان‌ها و دودکش‌های ساختمان‌ها که باعث زحمت و خسارت ساکنین شهرها باشد.

سوم؛ الزام به رعایت مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان: شهرداری‌ها مکلف به اجرای پدافند غیرعامل (اقدامات غیرمسلحانه برای کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها) در صدور پروانه‌ها و پایان‌کارهای ساختمانی هستند. عدم نظارت بر اجرای مبحث ۲۱ که صراحتاً به پیش‌بینی فضاهای امن، پناهگاه‌ها و مقاوم‌سازی شریان‌های حیاتی در برابر تهدیدات می‌پردازد، تقصیر بارز مدیریت شهری است. صدور مجوز برای ساختمان‌های فاقد این استانداردها، سببیت فرعی شهرداری را در زمان اصابت پرتابه‌های نظامی محرز می‌سازد.

سوم؛ «سند ملی کاهش خطر حوادث و سوانح» که درپی تکلیف مندرج در بند «ب» ماده ۴ قانون مدیریت بحران نگارش یافته است، ۱۴ مخاطره اصلی را احصا کرده و برنامه‌ای جامع ارائه نموده است. هرچند این موارد مستقیماً به جنگ ربطی ندارند و اساساً مقوله «جنگ» نسبت به قانون مدیریت بحران خروج موضوعی دارد، اما عدم انجام وظایف شهرداری ذیل این سند می‌تواند به تشدید خسارات ناشی از جنگ منجر شود. مخاطراتی مانند آتش‌سوزی‌های گسترده، حوادث حمل و نقل، قطع شریان‌های حیاتی و نیز ازدحام جمعیت در شرایط بحرانی از این دسته هستند.

علاوه بر این، بندهای «ث»[1] و «ج»[2] ماده ۱۳ قانون مدیریت بحران، دستگاه‌های موضوع این قانون از جمله شهرداری‌ها را مکلف می‌کند سازوکارهای کاهش خطر در حوزه وظایف خود و نیز سازوکارهای آمادگی و پاسخ دستگاه متبوع را تهیه و با تأیید سازمان، اجرایی کنند. با وجود گذشت سالیان متمادی از این تکلیف قانونی، معالاسف شهرداری تهران در این زمینه سندی طراحی نکرده است؛ ولیکن جای امیدواری است که تدوین این سند طی قراردادی به «پژوهشکده سوانح طبیعی» سپرده شده که امیدواریم به نتیجه مطلوب منتهی گردد تا خلأهای پیشگیری در بحران‌های مرکب (نظیر جنگ) پوشش داده شود. در مجموع، ترک فعل در هر یک از این سه محور، در صورت تقارن با حملات دشمن، بر اساس قاعده تقارن اسباب، شهرداری را به میزان تأثیر خطای مدیریتی‌اش ضامن می‌سازد.

۳-۲. نقش تسهیل‌گری مدیریت شهری در غیاب تقصیر

در فروضی که هیچ‌گونه تقصیر یا قصوری در انجام وظایف قانونی متوجه شهرداری نباشد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این نهاد عمومی غیردولتی تکلیفی برای جبران خسارات ناشی از جنگ از محل بودجه و منابع داخلی خود دارد؟ در پاسخ باید گفت، با توجه به اینکه جنگ ماهیتی ملی و فراتر از یک بحران محلی دارد، مسئولیت کلان حمایت از آسیب‌دیدگان و طراحی سازوکار جبران خسارات، در وهله نخست برعهده حاکمیت مرکزی قرار می‌گیرد. از این‌رو، شهرداری‌ها اصولاً الزام حقوقی مستقلی برای جبران تمامی خسارات ناشی از جنگ، به‌ویژه خسارات واردشده به اموال خصوصی شهروندان، از محل درآمدهای محلی و عوارض شهری ندارند.

با وجود این، فقدان مسئولیت مستقیم در جبران مالی خسارات، به معنای عدم ایفای نقش شهرداری در فرآیند مدیریت بحران نیست. شهرداری به‌عنوان بازوی اجرایی تخصصی مدیریت شهری، نقشی مهم در مرحله پس از بحران ایفا می‌کند. در این وضعیت، رسالت اصلی شهرداری نه پرداخت خسارات از منابع داخلی، بلکه ایفای نقش به‌عنوان «تسهیل‌گر و مجری سیاست‌های حمایتی» است. برآورد کارشناسی خسارات واردشده به ابنیه و تأسیسات شهری، مستندسازی آسیب‌ها، تشکیل پرونده برای زیان‌دیدگان و همکاری با دستگاه‌های مسئول در فرآیند بازسازی، از جمله کارکردهای تخصصی مدیریت شهری در این حوزه محسوب می‌شود.

البته شهرداری حتی در فرض فقدان تقصیر نیز نمی‌تواند از انجام وظایف قانونی و ذاتی خود در شرایط بحران خودداری کند. آواربرداری از معابر، اطفای حریق، تنظیف شهر، حفظ بهداشت عمومی، استمرار خدمات شهری، صدور مجوزهای لازم برای بازسازی و رفع موانع اداری، در زمره وظایفی است که در حدود صلاحیت قانونی و اعتبارات مصوب، برعهده مدیریت شهری قرار دارد. افزون بر این، شناسایی املاک و تأسیسات آسیب‌دیده، برآورد کارشناسی خسارات ساختمانی، مستندسازی وضعیت پیش و پس از حادثه، معرفی زیان‌دیدگان به مراجع پرداخت‌کننده، تسریع در صدور پروانه‌های بازسازی، تأمین دسترسی‌های شهری و هماهنگی با دستگاه‌های امدادی و خدماتی، از دیگر اقداماتی است که شهرداری می‌تواند در مقام تسهیل‌گر فرآیند جبران خسارت انجام دهد.

این تفکیک از آن جهت ضروری است که منابع مالی شهرداری عمدتاً از محل درآمدهای محلی و عوارض شهری تأمین می‌شود و اختصاص گسترده این منابع برای جبران خسارات

---

۱. ث – سازوکارهای کاهش خطر در حوزه وظایف خود را در چهارچوب برنامه ملی کاهش خطر حوادث و سوانح تهیه و با تایید سازمان، اجرایی کنند.

۲. ج – سازوکارهای آمادگی و پاسخ دستگاه خود را در چهارچوب برنامه ملی آمادگی و پاسخ تهیه و با تایید سازمان، اجرایی کنند.

ناشی از یک بحران ملی، می‌تواند استمرار خدمات عمومی و اداره امور روزمره شهر را با اختلال مواجه سازد. بنابراین، هرچند شهرداری موظف است در چارچوب وظایف قانونی خود، اقدامات فوری و حمایتی لازم را انجام دهد، اما تحمیل هزینه‌های ناشی از یک واقعه ملی و خارج از حدود وظایف ذاتی آن، نیازمند پیش‌بینی سازوکار قانونی و تأمین منابع مالی متناسب از سوی حاکمیت مرکزی است.

این رویکرد منطقی در رویه عملی و مصوبات شورای شهر تهران به روشنی تبلور یافته است. شورای اسلامی شهر تهران متعاقب بحران‌های نظامی، طی ماده واحده‌ای به شماره ۵۴۳۶/۴۲۸۶/۱۶۰ مورخ ۰۱/۰۴/۱۴۰۴، شهرداری تهران را مکلف کرد تا لایحه‌ای در زمینه تاب‌آوری، حمایت و خدمات‌رسانی ویژه به شهروندان در ۶ حوزه مأموریتی تدوین نماید. این لایحه پس از تصویب، بستر قانونی مناسبی برای تسهیل عبور و مرور و تسریع در صدور پروانه ساختمانی فراهم آورد. مهم‌ترین رویکرد حمایتی شورا در ماده یک مصوبه شماره ۵۷۷۸/۴۲۹۰/۱۶۰ مورخ ۱۱/۰۴/۱۴۰۴ متبلور شده است. در این ماده، شهرداری مکلف شده است تا در راستای حمایت فوری از شهروندانِ زیان‌دیده، پروانه ساختمانی واحدهای آسیب‌دیده را به صورت رایگان صادر کند، اما همزمان موظف گردیده تا این هزینه‌ها (عوارضِ دریافت‌نشده) را به دقت مستندسازی کرده و معادل آن را از طریق مجاری قانونی از دولت پیگیری و مطالبه نماید. همچنین، شورای شهر متعاقب تحولات بعدی، مصوبه مشابهی را به شماره ۲۳۲/۴۴۱۷/۱۶۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۳ به تصویب رساند و شهرداری را ملزم به ارائه لایحه‌ای مرتبط با آن شرایط نمود.

منطق نهفته در این مصوبات، دکترین مدیریت شهری را در مواجهه با جنگ به وضوح نشان می‌دهد. بهترین گواه بر این امر، توجه به «قیاس اولویت» است؛ شورای شهر حتی در موردی مثل عوارض صدور پروانه ساخت که جزو وظایف ذاتی و درآمدهای محلی مدیریت شهری است و شورا اختیار بخشش کامل آن را داشت، از این‌کار امتناع ورزید و تأکید کرد که هزینه آن باید از دولت دریافت شود. پس به طریق اولویت، تکلیفی برعهده شهرداری در قبال مواردی که خارج از وظایف ذاتی اوست (مانند پرداخت مستقیم خسارت خانه‌ها، ماشین‌ها و لوازم خانگی آسیب‌دیده) وجود ندارد و شهرداری صرفاً این هزینه‌ها را تا حدی جبران و مستندسازی کرده تا از بودجه کلان ملی مطالبه شود.

٤. چالش‌های مالی مدیریت شهری: مطالبات بی‌بازگشت و ضرورت توسعه بیمه‌های شهری

مدیریت پس از بحران و تسهیل‌گری در فرآیند جبران خسارات شهری، مستلزم گردش مالی عظیم و شفافیت در بازپرداخت هزینه‌های نهادهای محلی است. در این راستا، با دو مؤلفه اساسیِ «انسداد مسیرهای وصول مطالبات شهرداری» و «ضرورت توسعه بیمه‌های شهری» مواجهیم.

٤-١. مطالبات بی‌بازگشت شهرداری و انسداد مسیرهای حقوقی

همان‌گونه که به لحاظ نظری تبیین گردید، مبالغ پرداخت‌شده یا درآمدهای چشم‌پوشی‌شده (نظیر عوارض پروانه ساخت) توسط شهرداری، جزء مطالبات قانونی این نهاد از دولت محسوب می‌شود. با این وجود، تجربیات پیشین حاکی از آن است که دولت‌های گوناگون، غالباً از پرداخت دیون و بدهی‌های قطعی خود به شهرداری تهران امتناع ورزیده‌اند. در نتیجه، این مطالبات عملاً به ارقامی صرفاً ثبت‌شده در دفاتر مالی بدل می‌گردند که در مقام عمل، هیچ‌گاه تسویه نمی‌شوند.

این چالش در مصوبات کلان دولتی نیز بازتولید شده است. به‌عنوان نمونه، ماده ۴ «تصویب‌نامه در خصوص تشکیل ستاد ملی بازسازی خسارات ناشی از حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی» (مصوب ۱۴۰۴/۰۴/۱۸) مقرر می‌دارد که منابع مالی بازسازی می‌تواند از محل «نهادهای عمومی غیردولتی» تأمین گردد و مجوزهای مورد نیاز جهت تأمین این منابع، از مراجع ذی‌ربط نظیر شورای عالی سران قوا و شورای عالی امنیت ملی اخذ خواهد شد. با تأمل در این ماده، محتمل است که با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه و اخذ مجوز از مراجع فراقوه‌ایِ یادشده، کل مبالغ هزینه‌شده توسط شهرداری‌ها (به‌عنوان مصداق بارز نهادهای عمومی غیردولتی) جزء منابع تأمین‌کننده بازسازی تلقی گردد. این امر می‌تواند به این نتیجه منتهی شود که بدهی دولت به شهرداری در این زمینه، بدون هیچ‌گونه پرداختی و به‌صورت یک‌طرفه تسویه و صفر گردد. علاوه بر این، تأیید و تنفیذ این موضوع توسط شوراهای فراقوه‌ای، عملاً امکان هرگونه اعتراض و دادخواهی را در محاکم عمومی دادگستری یا دیوان عدالت اداری از شهرداری سلب می‌نماید. ضمن آنکه مطابق رویه حاکم، شورای نگهبان نیز به بررسی مصوبات این نهادهای فراقوه‌ای ورود نمی‌کند و بدین ترتیب، مسیر وصول مطالبات مدیریت شهری از مجاری قانونی و قضایی کاملاً مسدود خواهد شد.

علاوه بر انسداد مسیرهای وصول از سوی نهادهای فراقوه‌ای، خودِ مصوبات حمایتی مدیریت شهری نیز با چالش‌های جدی حقوقی و خطر ابطال مواجه‌اند. به‌عنوان نمونه، ماده یکم مصوبه شورای اسلامی شهر تهران (مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۱) که شامل عبارت کلیدی «و مبالغ مذکور را به عنوان مطالبات شهرداری تهران از دولت پیگیری و اخذ نماید» است، در معرض خطر جدی ابطال در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار دارد. دلیل اصلی این آسیب‌پذیری، خروج شورا از حدود صلاحیت‌های قانونی خود است؛ زیرا شورای شهر صرفاً مجاز به وضع یا لغو عوارض شهری است، اما هیچ‌گونه اختیاری برای تبدیل یکجانبه درآمد از دست‌رفته شهرداری به «دِین قطعی برعهده دولت» ندارد. این اقدام با اصول ۵۲ و ۷۵ قانون اساسی که هرگونه هزینه‌گذاری بدون پیش‌بینی در بودجه مصوب را ممنوع می‌کنند، و نیز با بند «ت» ماده ۱۸ قانون برنامه هفتم توسعه که تحمیل بار مالی مازاد بر دستگاه‌های اجرایی را اکیداً منع نموده، تعارض آشکار دارد. رویه مستمر هیئت عمومی دیوان در ابطال مصوبات مشابه شوراها که متضمن الزام دولت به پرداخت وجوه خارج از چارچوب بودجه است، نشان می‌دهد که در صورت طرح دعوی توسط اشخاص یا نهادهای نظارتی، احتمال صدور رأی ابطال برای این بخش از مصوبه بسیار قوی خواهد بود. این امر نه‌تنها هدف حمایتی مصوبه را با مخاطره مواجه می‌سازد و درآمدهای شهرداری را تضییع می‌کند، بلکه اعتبار تقنینی نهاد شورا را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

٤-۲. توسعه صندوق‌های بیمه شهری؛ راهبردی برای تاب‌آوری

با توجه به محدودیت شدید منابع داخلی شهرداری‌ها و انسداد مسیرهای وصول مطالبات از دولت، اتکا به سازوکارهای بیمه‌ای پایدار برای حفظ تاب‌آوری شهر در برابر خسارات جنگ، یک ضرورت است. اگرچه «قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی» گام مهمی در این راستا به شمار می‌رود، اما حوادث جنگی اصولاً در زمره «استثنائات بیمه‌ای» قرار می‌گیرند؛ مگر آنکه اشخاص یا نهادها، پوشش خاص خطرات جنگ را (موضوع ماده ۲۸ قانون بیمه) به‌طور مجزا خریداری کرده باشند. رویکرد کلان حقوقی بر آن است که جامعه شهری به تدریج به سوی استفاده فراگیرتر از سازوکارهای بیمه‌ای سوق یابد تا در بلندمدت، نیاز به پرداخت کمک‌های بلاعوض تقلیل یابد. تبلور این رویکرد در ماده ۱۰ «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» (مصوب ۱۳۸۰) مشهود است؛ آنجا که مقرر می‌دارد سهم اعتبار اقدامات بیمه باید سالانه افزایش یابد و با پوشش بیمه‌ای کامل، به‌تدریج کمک‌های بلاعوض حذف شوند. در حوزه حقوق شهری، شهرداری‌ها و شوراهای شهر می‌توانند با تشویق شهروندان به تهیه این پوشش‌های بیمه‌ای و همچنین بیمه نمودن زیرساخت‌های حیاتی شهر، بار مالی ناشی از جبران خسارات را از دوش مدیریت شهری و بودجه‌های عمومی برداشته و به شبکه‌های بیمه‌ای منتقل نمایند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی چالش‌های حقوقی جبران خسارات وارده بر محیط‌های شهری در زمان مخاصمات مسلحانه و تبیین مسئولیت نهادهای مدیریت شهری انجام پذیرفت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اگرچه جنگ مصداق بارز قوه قاهره (فورس‌ماژور) به شمار می‌رود و اصولاً انتساب مسئولیت مستقیم به نهادهای داخلی را مختل می‌کند، اما این امر به معنای مصونیت مطلق نهادهای محلی نیست. بر اساس یافته‌های تحقیق، چنانچه قصور، ترک فعل یا ضعفِ شهرداری‌ها در رعایت الزامات ایمنی و مقررات ملی ساختمان، به‌ویژه در حوزه پدافند غیرعامل، محرز گردد، به استناد قواعد حقوقی نظیر «تقارن اسباب» و «تسبیب»، این مصونیت لغو شده و این نهادها به میزان تأثیر خطای مدیریتی خود در تشدید و گسترش خسارات، ضامن و مسئول خواهند بود.

از سوی دیگر، در فروض فقدان تقصیر، شهرداری‌ها ماهیتاً الزام حقوقی مستقلی برای پرداخت غرامت از منابع داخلی و عوارض شهری ندارند و نقش آن‌ها، همان‌گونه که در مصوبات شورای اسلامی شهر نیز تبلور یافته، صرفاً نقشی «تسهیل‌گرانه»، حمایتی و اجرایی در مدیریت پس از بحران است. با این‌حال، یکی از چالش‌های اساسی شناسایی شده در این پژوهش، وجود خلأ بزرگ تقنینی در نظام حقوقی ایران و رویکردهای مقطعیِ کلان نظیر مصوبات ستاد ملی بازسازی است. این رویه‌ها باعث مسدود شدن مسیر جبران هزینه‌ها گردیده و مطالبات شهرداری‌ها از دولت را به دیونی بی‌بازگشت تبدیل کرده است؛ پدیده‌ای که تاب‌آوری اقتصادی مدیریت شهری را به شدت در معرض تهدید قرار می‌دهد.

در نهایت، برای برون‌رفت از این بن‌بست حقوقی در مدیریت شهری، اتخاذ تدابیر و اصلاحات چندگانه ضروری به نظر می‌رسد.

در گام نخست، تدوین و تصویب قانونی جامع با رویکرد تضمین حقوق مدیریت شهری ضرورت دارد تا سازوکار قطعی برای بازپرداخت هزینه‌های حمایتی شهرداری‌ها توسط دولت پیش‌بینی شود و از تحمیل بار مالی ملی بر دوش بودجه‌های محلی جلوگیری گردد. همچنین، اصلاح تصویب‌نامه ستاد ملی بازسازی به منظور جلوگیری از تهاتر یک‌طرفه و تضییع حقوق و مطالبات نهادهای عمومی غیردولتی نظیر شهرداری‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. در کنار این اصلاحات ساختاری، ورود فعالانه شوراهای شهر به سیاست‌گذاری جهت ترویج و توسعه صندوق‌های بیمه جنگ برای زیرساخت‌های حیاتی و املاک شهروندان می‌تواند وابستگی به کمک‌های دولتی را کاهش داده و تاب‌آوری کالبدی شهر را ارتقا بخشد. در پایان، به دلیل پیچیدگیِ تفکیک میان آثار تقصیر مدیریتی و خسارات ذاتی ناشی از جنگ، تأسیس شعب تخصصی قضایی در مراجع دادگستری و دیوان عدالت اداری جهت رسیدگی دقیق به این دعاوی، گامی الزامی برای تحقق عدالت جبرانی ارزیابی می‌شود.

References

Abdollahi, A. (2009). *Rules from Islamic jurisprudence*. Bustan-e Ketab, Qom.

Al-Mohammad, S. A. (2020). *Foundations and challenges of the civil liability of the state in force majeure events*. Jangal and Javedaneh, Tehran.

Amini, A., & Abedi, M. (2021). Legal dimensions of the United Kingdom's diplomatic protection of Nazanin Zaghari. *Public Law Studies*, 51(4), 1713–1734.

Arasta, M. J., Mohammadi, S. M., & Salimi Banmaran, M. (2026, May 12). A jurisprudential-legal analysis of urban management liability for damage arising from war [Scientific meeting]. Tehran Urban Research and Planning Center and Public Administration Training Center, Tehran, Iran.

Azizzadeh, F., & Gorgin, B. (2025). Civil liability of municipalities for infringements of urban health rights. *Urban Law Journal*, 1(1), 1–10.

Bagheri, E. (2026, May 20). The liability of the public treasury for the blood money of war martyrs [Scientific meeting]. Research Institute for Contemporary Jurisprudential Studies, Qom, Iran.

Barati, M. S. (2026, February). Civil liability of municipalities for accidents arising from defects in urban infrastructure [Conference paper]. *6th International Conference on Advocacy, Law and Humanities*.

Haddadi, M. (2018). Aid or assistance in the commission of an internationally wrongful act by a state under the 2001 Draft Articles on State Responsibility. *Legal Studies*, 10(4), 1–30.

Haddadi, M., & Setayeshpour, M. (2021). The scope of derived international responsibility: A comparative study of the responsibility regimes of states and international organizations. *Comparative Law (Mofid Letter)*, 8(1), 1–24.

Ibrahimi, N., Sharifian, J., & Zandi, F. (2020). Diplomatic protection of injured legal persons, with emphasis on damage to commercial companies caused by foreign states. *Journal of Research and Studies in Islamic Sciences*, 2(15), 106–131.

Mohaghegh Damad, M. (2004). *Rules of jurisprudence: Criminal section*. Center for the Publication of Islamic Sciences, Tehran.

Mousavi Bojnourdi, M. (2000). *Rules of jurisprudence* (Vol. 1). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Orouj Publishing Institute, Tehran.

Najafi Esfad, M., & Hadi, M. (2005). Enforcement of judgments of the International Court of Justice. *Biannual Journal of Comparative Law*, 9, 25–48.

Niavarani, S., & Zabihi Shahri, S. S. (2015). Diplomatic protection as a human right: A study of international judicial practice and a critique of the International Law Commission's draft articles. *Police International Studies Journal*, 6(22), 27–62.

Salimi, S. (2021). Limitations of the International Criminal Court in exercising jurisdiction over perpetrators of the crime of aggression. *Quarterly Journal of Public Law Research*, 22(69), 67–90. (in Persian).

Tarasi, M., & Rahmatifar, S. (2025). Compensation for damage inflicted on citizens as a result of armed conflict in the Iranian legal system. *Quarterly Journal of Law and Public Order*, 1(1). [Abstract submitted to the journal].

Yavari, A., & Fayyazi, S. (2012). *Jurisdiction of the International Criminal Court*. Shahr-e Qanun, 3.

Ziaei Bigdeli, M. R. (2023). *Public international law* (80th ed.). Ganj-e Danesh, Tehran.

Laws and Regulations

Civil Code, approved 1928, as amended.

Civil Liability Act, approved 1960.

Formation of the National Headquarters for Reconstruction of Damage Caused by the Israeli Regime's Attack, Cabinet Resolution No. 65311/T64350H, approved July 9, 2025.

Insurance Act, approved 1937, as amended.

Iranian National Building Regulations: Topic 21- Passive Defense.

Municipalities Act, approved 1955, as amended.

Regulation of Part of the Government's Financial Regulations Act, approved 2001.